

نقش و کارکرد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی در شکل‌گیری هویت ملی

محمود رضا نوشادی* دکتر بابک شمشیری** دکتر حبیب احمدی***
دانشگاه شیراز

چکیده

نهادآموزش و پرورش، عامل رسمی انتقال فرهنگ و دانش به نسل جوان و تضمین‌کننده‌ی بقا و ثبات جامعه است. بنابراین، توجه کارشناسان در انتخاب محتوای درسی و پیام‌های آنها، می‌تواند به صحت و سلامت فرآیند شکل‌دهی هویت ملی و همچنین رشد آن در دانش‌آموزان کمک نماید. به همین دلیل، مسأله‌ی کلی پژوهش حاضر عبارت است از؛ چگونگی پرداختن کتب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی، به عنوان مقاطع پایانی دو دوره‌ی تحصیلی، به مقوله‌ی هویت ملی و نیز شناسایی کاستی‌ها و آسیب‌پذیری‌های هر کدام از آنها در متون درسی. در انجام این پژوهش و پاسخ به مسأله تحقیق، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این پژوهش، ده مقوله در مورد با هویت ملی شناسایی شدند. این مقوله‌ها عبارتند از: بعد دینی، سیاسی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، ویژگی‌های جغرافیایی، خرده فرهنگ‌های قومی، افتخارات ملی و تجدد. در مجموع یافته‌های به دست آمده از این

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

** استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

*** دانشیار دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی

پژوهش دلالت بر آن دارد، که در کتب نامبرده، به مقوله‌های دینی و سیاسی به عنوان رکن اسلامیت مربوط به پدیده‌ی هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است. این در حالی است، که برخی دیگر از ابعاد هویت ملی مربوط به ارکان ایرانیت و تجدد به شدت مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ابعاد مذکور عبارتند از: ارزش‌ها و هنجارهای ملی، اسطوره‌های ملی، خرده فرهنگهای قومی، نمادهای ملی و تجدد. با توجه به یافته‌های به دست آمده، بازنگری در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی مقاطع دبستان و راهنمایی با تأکید بر پرورش هویت ملی (اسلامی- ایرانی و تجدد) پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت ملی، ایرانیت، اسلامیت، کتاب‌های درسی.

مقدمه

بحث هویت، از موضوع‌های مورد توجه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی؛ نظیر جامعه‌شناسی، تاریخ و روان‌شناسی بوده است و لزوم پرداختن به آن همواره یکی از مسایل مهم هر جامعه‌ای است. گسترش وسایل ارتباطی و در نتیجه رویارویی ملت‌ها با یکدیگر، باعث سوال از هویت و مشخص کردن حدود آن می‌شود (سروش، ۱۳۸۰: ۱). اگر تکلیف مقوله‌ی هویت در میان یک گروه و یا یک ملت معلوم باشد و درخصوص حد و حدود آن اجماع نظری کلی حاصل شود، اول، تک تک افراد احساس اعتماد به نفس می‌کنند دوم، جامعه و گروه، جهت و هدف خود را مشخص می‌بینند (رجایی، ۱۳۸۳: ۴۱). به همین سیاق، هویت ملی از آن جهت که فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه‌ی یک ملت به پرسش‌هایی درباره‌ی گذشته، حال و آینده، خاستگاه اصلی و دایمی، منزلت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های بر گرفته از تاریخ و گذشته خود است، ضرورت شناخت و بررسی دارد. در این میان، نهاد آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال فرهنگ و دانش به نسل جوان و تضمین‌کننده‌ی بقا و ثبات جامعه است. در نتیجه، آموزش و پرورش وظیفه دارد، به طور مستقیم و آگاهانه ارزش‌هایی را به فراگیران منتقل نماید (کارر، ۲۰۰۳: ۴۰).

یکی از مهمترین ابزارهای آموزش و پرورش در این رسالت، یعنی انتقال ارزش‌ها

و شکل‌دهی هویتی، کتاب درسی است. در حقیقت، پیام‌هایی که از طریق محتوای این متون درسی به دانش‌آموزان ارایه می‌شود، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، در انتقال میراث فرهنگی و شکل‌دهی به هویت ملی، قومی و دینی آنان اثر گذار است. بنابراین بررسی طرح هویت ملی در کتاب‌های درسی که هدف این تحقیق است، برای برنامه‌ریزان و مولفان کتب درسی می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان و سوم راهنمایی، به عنوان مقاطع پایانی دوره‌ی آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی)، بر اساس مولفه‌های هویت ملی استخراج شده از مبانی نظری تحقیق.

موضوع هویت، یعنی بحث و تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش «من که هستم» قدمتی دیرینه دارد. ضرورت بحث از هویت در این است، که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم نه تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمه‌های انسان بودن است. انسان و جامعه‌ای که از خود تعریف ندارد، در عمل واحدی از هم گسیخته، نامنسجم، از خودبیگانه و خودستیز است و به ناچار همواره خودش را با نسخه‌ای خارج از خود ارزیابی می‌کند، در نتیجه، بازیگری و ایفای نقش فعال از چنین واحدی گریزان است (رجایی، ۱۳۸۳: ۴۰).

بر این اساس، هویت ملی یک مفهوم تاریخی است، که از ابتدا به اشکال مختلف وجود داشته است، لیکن در ابعاد اجتماعی به زعم بسیاری از صاحب‌نظران علوم انسانی به ویژه اجتماعی و سیاسی، یکی از اساسی‌ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است، که بعد از رنسانس به وجود آمده است (میلر^۱ ۱۹۹۵: ۲۷). امروزه، این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده است، که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند (پول^۲، ۲۰۰۳: ۲۷۱). بدین معنا که، انواع هویت‌های دیگر، در چارچوب هویت ملی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند. برای نمونه، شکل‌گیری هویت فردی پدیده‌ای است، که کاملاً تحت تأثیر و نفوذ هویت ملی قرار دارد. البته در دهه‌های اخیر، ویژگی وحدت بخشی مفهوم هویت ملی، دچار آسیب‌پذیری شده است. یکی از دلایل این امر مربوط است، به مقوله‌ی جهانی شدن، یعنی پدیده‌ای که در دوران معاصر با آن مواجه هستیم. جهانی شدن موجب شکل‌گیری

احساس چند پاره‌گی و گم‌گشتگی در بسیاری از افراد، به ویژه نسل جدید و جوان می‌شود (شولت، ۱۳۸۲: ۱۳۴). اهمیت فهم هویت ملی برای کشوری؛ نظیر ایران، با قومیت‌های متفاوت، جهت یکپارچگی و انسجام بسیار مهم است، زیرا هویت ملی مفهومی است، که سعی می‌کند تعارض‌های موجود در هویت‌های گروهی را به نوعی کاهش داده و آنها را ذیل یک هویت بالاتر، یعنی هویت ملی، همگرا سازد. بنابراین انجام تحقیق‌های و مطالعات وسیع در خصوص ارتباط هویت ملی و نظام آموزش و پرورش، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. چرا که آموزش و پرورش یکی از مهمترین و به تعبیری زیر بنایی ترین نهادی است، که به طرح هویت سازی سالم کمک می‌کند. در واقع آموزش و پرورش جزء اولین نهادهایی است که شکل دهی هویتی در آن رخ می‌دهد (پول، ۲۰۰۳: ۱۱۰). نظام آموزشی، در تبیین هویت ملی نقش تعیین کننده‌ای دارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۳، ۳۶). به دیگر سخن، آموزش و پرورش رسالت جامعه پذیری فرزندان کشور را از طریق شکل دهی هویت (دینی، قومی و...) و در نتیجه ملی آنان به عهده دارد (علاقه بند، ۱۳۷۷: ۱۰).

بدیهی است، متن کتب درسی و پیام‌هایی که از طریق آنان به دانش آموزان انتقال می‌یابد، ابزار انجام این رسالت است. از این رو، دقت و توجه کارشناسان در انتخاب محتوای درسی می‌تواند به صحت و سلامت فرآیند شکل دهی هویت ملی و جامعه پذیر نمودن دانش آموزان کمک نماید. به همین دلیل، این پژوهش سعی دارد، چگونگی پرداختن کتب علوم اجتماعی سال آخر دبستان و راهنمایی به موضوع هویت ملی را بررسی نماید.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

هویت از مفاهیم میان رشته‌ای در علوم اجتماعی است، که سه رشته‌ی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این مفهوم، ابتدا در روان‌شناسی ظهور کرد، سپس به عالم اجتماع و سیاست نیز راه یافت. نقطه‌ی آغاز آشنایی با مفهوم هویت، مفهوم «خود انگاره»^۳ است. دیدگاه اجتماعی «خود»^۴ به کارهای «جرج هربرت مید»^۵ و «چارلز هورتن کولی»^۶ باز می‌گردد. در این دیدگاه، خود

محصولی اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۱). بنا به برداشت مید، «خود» هر فردی از خلال اخذ دیدگاه «دیگری» شکل می‌گیرد. به این صورت که فرد آگاهی می‌یابد، که موضوعی در حوزه‌ی ادراکی دیگری است و با درونی سازی آن به «خود» به عنوان «موضوعی» در حوزه‌ی ادراکی خویشتن، آگاه می‌شود. (دوچ^۷ و کراوس^۸، ۱۳۸۶: ۱۹۷). در خصوص مفهوم بنیادی «خود»، جنکینز^۹ (۱۹۹۶: ۲۰)، بر این باور است، که وجود آدمی همان خود است، که پایه گذار هویت شخصی و اجتماعی اوست. در این راستا، هر چه به کمیت و کیفیت تجارب و تفاسیر فرد اضافه می‌شود، «خود» به عنوان خزانه‌ی معرفتی گسترش پیدا خواهد کرد. این خزانه‌ی معرفتی، شامل تجارب زندگی خصوصی فردی و خاطرات او می‌شود. به همین دلیل است، که هیچ دو فردی دارای هویت‌های یکسان نیستند.

هویت ملی به مثابه‌ی پدیده‌ای سیاسی - اجتماعی زاینده‌ی عصر جدید است، که ابتدا در اروپا و آنگاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. اما هویت ملی به منزله‌ی مفهومی علمی از ساخته‌های تازه‌ی علوم اجتماعی است، که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به جای مفهوم «منش ملی»^{۱۰} که از مفاهیم عصر تفکر رمانتیک بوده در حال رواج یافتن است. نظر غالب آن است، که عوامل اصلی ملیت، دین، زبان و سرزمین مشترک است. از نظر روان شناسان اجتماعی، احساسات مشترک و آگاهی جمعی، شالوده‌ی هویت ملی و قومی است (معظم پور، ۱۳۸۰: ۳۹). هویت ملی، از جمله انواع هویت جمعی بوده، که در جامعه‌شناسی و روان شناسی اجتماعی تعاریف مختلفی برای آن آورده شده است. در بعضی از تعاریف بر جنبه‌ی شناختی و در بعضی دیگر، بر جنبه‌ی عاطفی توجه شده است. هویت ملی تعریفی است، که فرد با رجوع به تابعیت ملی و گذشته‌ی تاریخی و فرهنگی خود از خود ارایه می‌دهد (محسنی، ۱۳۷۵: ۴۵). جامعه شناسان هویت ملی را، نوعی احساس خود بودن جمعی دانسته اند. یعنی با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتا آمیختگی، جدایی و برکناری را نگه داشتن. نکته‌ی مهم در بررسی هویت ملی، پرداختن به عنصر خود آگاهی است (حق پناه، ۱۳۷۶: ۷).

ذبیح الله صفا، اساس هویت ایرانی را به طور آشکار بر دو عنصر زبان فارسی، نهاد

شاهنشاهی قرار داده است و این دو عنصر را علاوه بر تشکیل هویت ایرانی، به عنوان راز دوام ملی و فرهنگی ایرانیان دانسته است. او سند اصلی نگرش خود را، کتاب‌های تاریخی ایران، اسناد علمای دینی - زرتشت و مسلمان - و اشعار حماسی ایران به خصوص شاهنامه‌ی فردوسی قرار داده بود. هر چند صفا از دو منبع، زبان و پادشاهی - به طور مستقیم جهت هویت ملی ایرانی بحث می‌کند، ولی از آنجایی که این دو عنصر عضوی از ملیت و فرهنگ ایرانی هستند، می‌توان آنها را در مقوله‌ی ایرانیت و سنت ایرانی جای داد (رجایی، ۱۳۸۳: ۵۱). از طرفی، مسأله‌ی پادشاهی در هویت تاریخی و ملی ایرانی به نظر صفا تنها در سایه‌ی دین قابل بررسی است و بنابراین، وی از یک طرف اساس هویت ایرانی را زبان فارسی و پادشاهی می‌داند، و از طرف دیگر، اساس پادشاهی را بر پایه‌ی اطاعت از خداوند و دین، قلمداد می‌کند بنابر این، دو پایه ایرانیت یا سنت ایرانی و دین چارچوب بحث هویتی صفا را تشکیل می‌دهند.

مسکوب نیز مانند صفا ابتدا با اشاره به دو مفهوم «تاریخ» و «زبان فارسی» آنها را پایه‌ی هویت ایرانی قرار می‌دهد، ولی به تدریج به «دین» به عنوان جنبه‌ی مهم مقوله‌ی هویت اشاره می‌کند و می‌گوید: «... گوهر هویت بشری تنها در مورد با جهان بالا، یعنی با خدا ریشه می‌گیرد.» (مسکوب، ۱۹۹۲: ۴۷).

بنابراین، مسکوب نیز مانند صفا هویت ملی ایرانیان را بر دو پایه‌ی ایرانیت و دین (اسلامیت) می‌داند و حتا از این هم پیش تر می‌رود، طوری که عنصر تجدد را هم به ان اضافه می‌نماید. وی در مصاحبه‌ای که در مقدمه کتاب ملیت و زبان آمده است، به صراحت عواملی؛ مانند رشد ارتباطات همگانی و تعامل بین المللی را در هویت ملی موثر می‌داند و معتقد است: که هویت ایرانی با تحولاتی که خارج از آن اتفاق می‌افتد، در ارتباط مداوم است (همان، ۱۸-۱۷). بنابراین، به نظر مسکوب سه عنصر ایرانیت، اسلامیت و تجدد، اساس هویت ملی ایران را تشکیل می‌دهند.

مطهری بر این باور است، که هویت ایرانی دو پایه‌ی مهم دارد: اول؛ ایرانی بودن (ایرانی‌ت) دوم؛ علاقه و سرسپردگی ایرانیان به اسلام (اسلامیت). به نظر او، ایرانیانی که دارای سابقه‌ی فرهنگ و تمدن بودند، از بی عدالتی نظام قبل از اسلام روی گردان شدند، روح خود را با اسلام سازگار دیدند و گم گشته‌ی خویش را در اسلام یافته و

بعد از پذیرش اسلام، خود مایه‌ی تمدن اسلامی گردیدند، به تعبیر دیگر، ایرانی به وسیله‌ی اسلام خود را کشف کرد، سپس آن را به جهانیان شناساند (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۱۱). وی، افکاری که از غرب ویا کشورهای بیگانه وارد ایران شده اند (تجدد) و اکنون جزء هویت ایرانی شده اند و دیگر رنگ ملت بخصوصی ندارند را هم مورد تایید قرار می‌دهد (پیشین: ۶۱). پس در نتیجه‌ی کلی می‌توان به طور مشروط، عنصر تجدد را نیز به ایرانیت و اسلامیت مطهری اضافه نمود.

شریعتی، با این که تأکید دارد، که هویت و خویشتن ما در قبال غرب دچار تحقیر و خواری گشته است، ولی انحطاط کشور خود-ایران- را ناشی از دوری گزیدن از دو مؤلفه‌ی رنسانس غرب، یعنی عینیت گرایی روشمند و پرهیز از آخرت اندیشی افراطی بیان می‌کند (شریعتی، ۱۳۸۰: ۵۶). بنابراین، با این که شریعتی هویت ملی را در بازگشت به خویشتن تاریخی (ایرانیت) و اسلامی (اسلامیت) خود بیان می‌کند، ولی در مورد تجدد و غرب همواره در سخنرانی‌های خود حالت دو گانه را در پیش دارد، زیرا از یک طرف، تجدد را گرفته شدن هویت و بی هویت شدن ایرانیان می‌داند و از طرف دیگر، تجدد را فعال بودن، آزاد بودن، کنجکاو بودن و توانایی آفرینندگی بیان می‌کند (همان، ۶۰-۵۷).

سروش معتقد است، هویت امروز ایران از سه فرهنگ ایران، اسلام و غرب (تجدد) تشکیل شده است. او می‌گوید: «سخن این است، که ما ایرانیان مسلمان که اکنون در این کشور زندگی می‌کنیم، حامل و وارث سه فرهنگ هستیم و تا نسبت خود را با این سه فرهنگ معین نکنیم و ندانیم که در کجا و در کدام جغرافیای فرهنگی و اجتماعی هستیم، هرگز بر نخواهیم آمد ... آن سه فرهنگ که ما وارث و حامل آن هستیم، عبارتند از: هویت ملی، دینی و غربی (سروش، ۱۳۷۷: ۱۸۵-۱۵۳).

رجایی بر این باور است، که هویت ملی همچون رودخانه است، که در بستر «زمان» و «مکان» جاری است و برای همین، بسته به این که در کدام زمان یا مکان جاری باشد، متغیر است. او معتقد است: که هویت باید مانند رود خانه، دارای تداوم و تحول باشد، زیرا بدون تحول به در جا زدگی دچار می‌شود و امکان پویایی از آن سلب می‌شود، وبدون تداوم، امکان شناخت یکدیگر، احساس جمعی و ارتباط با گذشته،

امکان پذیر نخواهد بود.

رجایی بیان می‌کند، که علاوه بر سه منبع ایران یا ایرانیت، اسلام یا اسلامیت و تجدد، باید منبع چهارمی به نام «سنت» به هویت ملی اضافه نماییم تا کامل تر بتوانیم به بررسی آن پردازیم (رجایی، ۱۳۸۳: ۶۷).

وی می‌گوید: «در واقع ادعای من این است، که ترکیبی از ایران و اسلام، محتوا و خمیره‌ی مرکزی و همچنین جهت و هدف هویت ایرانی را می‌سازد و ترکیبی از سنت و تجدد سازوکار، روش و ترتیبات نهادی، آن را تجسم می‌بخشد. در عین حال، اگر هر یک از اینها را به قیمت حذف دیگری مطلق کنیم ... به تمامیت هویت لطمه زده ایم. (همان، ۶۹-۶۸).

همان طور که ملاحظه گردید، همه‌ی اندیشمندانی که نظریه‌های آنها مطرح شد، به دو عنصر ایرانیت از یکسو و اسلامیت از سوی دیگر، به عنوان ارکان هویت ملی ایرانیان اشاره کرده اند و اکثر آنها به طور مستقیم و غیر مستقیم، عنصر «تجدد» را هم از ارکان هویت ملی دانستند. هر چند رجایی با دلایل قابل قبولی مایل بود، که عنصر چهارمی به نام «سنت» به هویت ملی اضافه نماید، ولی این تحقیق به اکثریت توجه می‌کند و معتقد است، می‌توان سنت را در ایرانیت و اسلامیت جای داد. بر این اساس، پژوهش حاضر همان طور که در چار چوب نظری بیان می‌شود، نظر خود را بر پایه‌ی سه عنصر ایرانیت، اسلامیت و تجدد قرار می‌دهد.

تحقیقات معدودی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی هویت ملی پرداخته‌اند. ملاصادقی (۱۳۷۸: ۱۱۳) نقش فعالیت‌های فرهنگی در شکل دهی هویت ایرانی دانش آموزان را با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهشگر نشان می‌دهد، که در بخش فعالیت‌های فرهنگی مدارس، به ابعاد دینی و مذهبی هویت ملی بسیار توجه نشان داده شده است. در حالی که، به برخی ابعاد دیگر، بسیار بی‌توجهی شده است. هادی‌نژاد (۱۳۷۵)، به تحلیل محتوای کتب فارسی سال چهارم و پنجم ابتدایی پرداخته است. بخشی از این تحلیل محتوا، به مؤلفه‌های ملی، میهنی و اجتماعی اختصاص دارد. اما موضوع اصلی تحقیق، مقایسه‌ی محتوای این کتب، با هدف‌های آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی است. یآوری

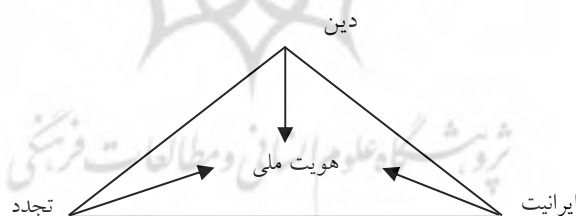
(۱۳۷۳: ۱۴۵-۱۴۲) با روش تحلیل محتوا به بررسی وضعیت اقوام مختلف ایرانی در برخی از کتب درسی؛ مثل فارسی، تعلیمات اجتماعی و جغرافیا پرداخته است. این پژوهشگر نیز به این نتیجه دست یافت، که در کتب درسی به ارزش‌های دینی اسلامی بسیار توجه شده است. در حالی که، به مقوله‌های قومی و خرده فرهنگی؛ مثل گویش‌های گوناگون و یا حتی زبان‌های قومی بی توجهی شده است.

عشوری (۱۳۷۸) داستان‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی را تحلیل نموده است. نتایج حاکی است که ماهیت داستان‌ها بیشتر اخلاقی بوده و بعد اعتقادات مذهبی و ارزش‌های اخلاقی از سایر ابعاد قوی تر است. در واقع، این داستانها بیشتر به اطلاعات و معلومات و ارزش‌های دینی پرداخته است.

شاه سنی (۱۳۸۶: ۱۹۹-۱۹۲) کتاب‌های دینی، فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی را مورد تحلیل انتقادی گفتمان قرار داد. بر اساس یافته‌های به دست آمده، این محقق چنین نتیجه می‌گیرد، که ارزش‌های دینی و سیاسی، دارای بیشترین فراوانی در کلیه کتاب‌ها هستند. از سوی دیگر، فراوانی ارزش‌های ملی، مشتمل بر شناخت میراث فرهنگی و آثار باستانی ایران، شناخت شخصیت‌های ملی و احترام به میهن کمتر از حد انتظار بوده و به همین دلیل، ضرورت بازنگری جدی، احساس می‌شود.

در خصوص رابطه‌ی هویت ملی و تعلیم و تربیت، می‌توان به مطالعات خارجی زیر اشاره نمود: یکی از این مطالعات را سیری واردنا^{۱۱} (۲۰۰۲: ۴) در کشور سری لانکا انجام داد. وی در این مطالعه نشان داد، که کتب درسی این کشور، به ویژه تاریخ، بر اساس تمایز قومی و در برخی موارد «برتری قومی» تهیه شده اند (منظور اقوامی مثل، سین هالا و تامیل نادو است). در مطالعه‌ی دیگری، کلر^{۱۲} و درور^{۱۳} (۱۹۹۵: ۱۰)، نشان داده اند، که در کشور اسرائیل، هویت ملی بیشتر از طریق برنامه‌ی درسی غیر رسمی و فعالیت‌های فوق برنامه، پرورش داده می‌شود. فرشته^{۱۴} (۱۹۹۲) نیز در مقاله‌ی خود درباره‌ی نظام تعلیم و تربیت ژاپن، یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی آن را تأکید بر جنبه‌های فرهنگی و هویت ملی معرفی می‌کند. این امر نشان می‌دهد، که بحث هویت ملی و رابطه‌ی آن با آموزش و پرورش، از جمله موضوع‌هایی است، که در عصر حاضر، مورد توجه محققان و صاحب نظران حوزه‌ی تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

اکنون با توجه به نظریه‌ها و ادبیات تحقیق که بیان گردید، می‌توان چارچوب نظری پژوهش حاضر را چنین بیان نمود: اساس هویت ملی، احساس تعلق و تعهد به اجتماع ملی، همچون رودخانه‌ای است، که در بستر زمان و مکان جاری است و گذشته و حال و آینده را به هم پیوند می‌زند و در نتیجه به عنوان تجارب جمعی یا تاریخ یک جامعه محسوب می‌شود. هر چه زمینه‌ی تجارب افراد به هم همانند تر باشد، انسجام و شباهت‌ها هم بیشتر خواهد شد. اگر بر اساس مطالب فوق، هویت ملی را مجموعه‌ای از سه هویت دینی و اسلامی، ایرانی (تاریخ و سنت ایرانی) و تجدد (عناصر فرهنگی وارد شده به ایران) بدانیم، جهت انسجام ملی؛ محتوای کتاب‌های درسی را می‌توان طوری طراحی نمود، که بین مولفه‌های هویت ملی تعادل برقرار شود. در نتیجه فرزندان کشور می‌توانند در عین عشق ورزیدن به سرزمین مادری و میراث فرهنگی و تاریخی کهن آن، میراث تمدن اسلامی را نیز هویت بالفعل خود بدانند و آن را پاس دارند و در عین حال نسبت به جهان امروز، بینش خردمندانه‌ای داشته باشند (پیوند گذشته، حال و آینده). به دیگر سخن، باید، ملت، دین و تجدد در حالت تعادل در تعاملی منطقی با یکدیگر عمل نموده و سهم معقوله‌ی خود را ادا نمایند. شکل زیر این الگو را به خوبی نشان می‌دهد.



مساله‌ی تحقیق

پژوهش حاضر در صدد است، به تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی بر اساس پژوهش‌های که در بخش پیشین تحقیق در زمینه‌ی کتاب‌های درسی صورت گرفته و به خصوص مولفه‌هایی که «ملا صادقی» در تحقیق خود ارایه نموده است (البته با کمی تغییر جهت منطبق شدن با چارچوب نظری این پژوهش - در فصل روش تحقیق به تفصیل در باره‌ی آن صحبت می‌شود) بپردازد

و با توجه به آن، به سوال‌های تحقیق پاسخ دهد.

۱- کدام یک از مولفه‌های هویت ملی- دین، ایرانیت و تجدد - در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند؟

۲- آیا مولفه‌های هویت ملی، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی به یک میزان مورد توجه قرار گرفته اند؟

روش تحقیق

این تحقیق در زمینه‌ی بررسی کتب درسی است و رایج‌ترین شیوه‌ی تحقیق در این زمینه، روش تحلیل محتوا است (ساروخانی، ۱۳۷۸ و دلاور، ۱۳۷۴: ۲۷۴-۲۷۵). هدف غالب تحلیل محتواهایی که انجام می‌شوند، پاسخگویی به سوال‌هایی است که با مورد تجزیه و تحلیل ارتباط مستقیم دارد. در این تحلیل‌ها، اطلاعات معینی طبقه بندی می‌گردند و به جدول‌های ساده‌ای تبدیل می‌شوند. به عنوان نمونه، تحلیل محتوای کتاب می‌تواند به ما بگوید که کتاب مورد بحث از چه مطالبی تشکیل شده است، چه نکاتی در آن بیشتر مورد تاکید قرار گرفته اند، مطالب به چه ترتیبی ارائه شده اند و بر اساس آن جدول تهیه و فراوانی هر یک از طبقه‌ها مشخص می‌گردد. اطلاعات حاصل از این تجزیه و تحلیل می‌تواند به طور مستقیم، در تجدید نظر دروس مربوط به کار گرفته شوند (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۷۶).

تحقیق حاضر، بر اساس تحلیل محتوا و با الگو قرار دادن اجزا و مولفه‌های هویت ملی بر پایه‌ی موارد مطرح شده در چارچوب نظری است. بنابر این، کتاب‌های علوم اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی بر اساس مولفه‌های هویت ملی که در پژوهش‌های یآوری (۱۳۷۳)، هادی نژاد (۱۳۷۵) و به خصوص در پژوهش ملا صادقی (۱۳۷۸) تقسیم بندی شده است، به صورت جمع بندی شده، البته با کمی تغییر، با توجه به چارچوب نظری پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار می‌گیرند. بنا به پژوهش‌های نامبرده، به خصوص ملا صادقی ابعاد مختلف هویت ملی نیز عبارتند از: ۱- ارزش‌های ملی مانند روحیه‌ی جوانمردی. ۲- هنجارهای ملی مانند مهمان نوازی ۳- باورهای

مذهبی مانند حجاب ۴- میراث فرهنگی مانند آثار ملی و هنرهای سنتی (فرش ایرانی و مینیاتور ایرانی) ۵- اسطوره‌های ملی مانند رستم، ابومسلم خراسانی و امیر کبیر ۶- نمادهای ملی مانند پرچم و سرود ملی ۷- ویژگی‌های جغرافیایی یا مرز و بومی مانند محدوده‌ی کشوری (مرزهای کشور) و استانی ۸- ویژگی سیاسی مثل نوع نظام حکومت است. علاوه بر ابعاد فوق بر اساس مبانی نظری تحقیق، می‌توان مؤلفه‌ی ویژگی‌های قومی یا به تعبیر دیگر، خرده فرهنگ‌ها را به آن اضافه کرد. این ویژگی مشتمل است بر مواردی؛ همچون لهجه و گویش‌ها، آداب و رسوم محلی، ضرب‌المثل‌های محلی و نظایر آن. علاوه بر آن مؤلفه افتخارات ملی مثل اندیشمندان ایرانی و قهرمان‌های ورزشی و مانند آن نیز قابلیت اضافه شدن به این مؤلفه‌ها را دارد. از سوی دیگر، همان‌طور که از تعریف هویت، به خصوص هویت ملی بر می‌آید، یکی از ابعاد مهم شکل‌گیری کنونی هویت ملی، مربوط به شناخت افراد از دیگران و به طور کلی تمایزگذاری بین خود و دیگر هویت‌ها است، در نتیجه انواع و اقسام روابطی که بین ایران و کشورهای جوامع دیگر وجود داشته و دارد، به شکل‌گیری سالم هویت ملی در افراد کمک می‌کند. از این رو، ارتباطات ایران با سایر کشورها و به خصوص مباحثی از قبیل؛ مشروطه، ناسیونالیسم، آزادی، حقوق بشر و... که از غرب وارد ایران گشته و می‌توان تحت عنوان تجدد از آن نام برد نیز مؤلفه‌ای است که باید به ابعاد مختلف هویت ملی اضافه گردد.

در مجموع با توجه به توصیف‌ها و تعاریف به عمل آمده‌ی محققان و کارشناسان مربوط، تعریف عملیاتی هویت ملی با رجوع به ابعاد ده‌گانه‌ی ذیل مشخص می‌شود:

الف- رکن ایرانیت (ملیت) شامل:

- ۱- ارزش‌ها و هنجارهای ملی مانند روحیه‌ی جوانمردی و مهمان‌نوازی؛
- ۲- میراث فرهنگی مانند آثار و بناهای ملی، هنرهای سنتی و صنایع بومی؛
- ۳- اسطوره‌های ملی مانند رستم و آرش کمانگیر؛
- ۴- نمادهای ملی مانند پرچم و سرود ملی؛
- ۵- ویژگی‌های جغرافیایی یا مرز و بومی مانند مرزهای کشور؛
- ۶- خرده فرهنگ‌های قومی مانند گویش‌ها و لهجه‌ها؛

- ۷- افتخارات ملی مانند اندیشمندان و قهرمانان ورزشی ملی و مذهبی (این مولفه می‌تواند هم رکن ملی را شامل شود و هم رکن اسلامی)؛
- ب- رکن اسلامیت شامل:
- ۸- بعد سیاسی، که با توجه به نوع حکومت در ایران می‌توان سیاسی- مذهبی هم نام گذاری نماییم، مانند نوع نظام حکومتی و قانون اساسی؛
- ۹- بعد دینی مانند باورها، عقاید، مناسک، اشخاص و آیین‌های مذهبی؛
- پ- رکن تجدد شامل:
- ۱۰- فرهنگ و اندیشه‌هایی که در ارتباطات فرهنگی، به خصوص از غرب در دو سده‌ی اخیر وارد شده است، که تحت عنوان «تجدد» در مباحث نظری از آن یاد گردیده، مانند مشروطه، آزادی، دموکراسی.
- همان طور که گفته شد، برای انجام پژوهش حاضر و پاسخگویی به سوال‌های، آن از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. در این روش، که شیوه‌ای مناسب برای تحلیل پیام‌های متون درسی به حساب می‌آید، ابتدا مقوله‌های مختلف تعریف می‌شوند (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۴۸) که در این پژوهش، مقوله‌ها همان ابعاد مختلف هویت ملی هستند. سپس، با توجه به این مقوله‌ها، واحدهای تحلیل یعنی فراوانی‌های مربوط به موضوع درسی، عبارت‌ها، تصویرها، پرسش و تمرین‌ها، جداول و نمودارها، فعالیت‌های داخل و خارج از کلاس مربوط به متون درسی، جدول بندی شده، پس از آن با توجه به جداول به دست آمده، تحلیل صورت می‌گیرد. به منظور حصول اطمینان از پایایی تحلیل‌های به دست آمده، کدگذاری واحدهای تحلیل را دو پژوهشگر به طور همزمان و به صورت مستقل انجام دادند- (یک پژوهشگر با تخصص علوم اجتماعی و یک پژوهشگر با تخصص در تعلیم و تربیت)- درصد توافق حاصل، ۸۲ درصد محاسبه گردید. سپس در مرحله‌ی بعد، سعی شد که درباره‌ی تمامی کدگذاری‌ها بین پژوهشگران توافق حاصل آید. این روش، از جمله روش‌های رایج، برای به دست آوردن پایایی در تحلیل محتوا است (همان، ۲۱۰). برای پاسخگویی به سوال اول تحقیق، از شاخص‌های فراوانی و درصد آنها استفاده می‌شود، زیرا که هدف، شناسایی

مؤلفه‌هایی است که به آنها توجه شده و یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند و یا کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. برای پاسخ به سوال دوم، به مقایسه‌ی میزان فراوانی مؤلفه‌ها در هر دو کتاب و همچنین آزمون «خی دو» برای تفاوت معناداری استفاده شد.

یافته‌ها

همان‌طور که اشاره شد، برای انجام تحلیل محتوا، ابتدا ده مقوله‌ی اساسی که در واقع ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون هویت ملی هستند، مورد شناسایی قرار گرفت. سپس در گام بعدی، به جستجوی این مقوله‌ها در واحد تحلیل (کل عبارت‌های کتاب) پرداخته شد، که فراوانی نتایج به دست آمده و درصدهای مربوط به هر کدام، در جداول ذیل آمده‌اند.

جدول ۱: فراوانی کل کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی

کل	فعالیت‌های داخل و خارج از کلاس	جداول و نمودارها	پرسش ها	تصاویر	عبارت ها	موضوع درسی	
۱۳۲۷	۱۳۱	۴	۱۴۳	۱۷۰	۸۲۰	۱۰۴	پنجم دبستان
۷۰۵	۱۰۰	۰	۵۰	۲۷	۵۰۰	۲۸	سوم راهنمایی
۲۰۳۲							

همان‌طور که از جدول شماره ۲ برمی‌آید، ۵۷ درصد از کل فراوانی‌های واحدهای تحلیل این کتاب مربوط به بعد دینی و بیش و ۲۵ درصد نیز مربوط به بعد سیاسی است. این در حالی است که ابعاد ارزش‌ها و هنجارهای ملی، نمادهای ملی، خرده فرهنگ‌های قومی، تجدد و افتخارات ملی، کمتر از ۹ درصد و به بعد اسطوره‌های ملی نیز هیچ توجهی نشده است. از سوی دیگر، ویژگی‌های جغرافیایی به عنوان رتبه‌ی سوم از نظر فراوانی، در جدول فوق تنها کمتر از ۷ درصد از کل فراوانی‌ها را شامل شده است.



چنان که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، در کتاب تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی، بعد سیاسی، با بیش از ۴۸ درصد بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است. پس از آن، بعد دینی قرار دارد که بیش از ۳۶ درصد است، که نشان دهنده‌ی این موضوع است که این دو بعد بیش از ۸۴ درصد از فراوانی‌های این کتاب را شامل می‌شوند. این در حالی است، که به ابعاد ارزش و هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌های ملی، خرده فرهنگ‌های قومی، ویژگی‌های جغرافیایی، به هیچ وجه پرداخته نشده است و همچنین فراوانی افتخارات ملی نیز بسیار اندک است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: نتایج کلی تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی

کل	فعالیت‌های داخل و خارج کلاس		جداون و نمودارها		پرسشها		تصاویر		عبارتها		موضوع درسی		ابعاد ده گانه
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۸۲	۹								۰/۸۲	۹			۱- ارزش‌های و هیجان‌های ملی
۱/۱۹	۱۵			۰/۱۴	۲	۰/۸۷	۱۱	۰/۱۴	۲				۲- میراث فرهنگی
													۳- اسطوره‌های ملی
۰/۳۲	۴					۰/۲۴	۳	۰/۲۴	۱	۰/۰۸			۴- نمادهای ملی
۳/۸۲	۴۸	۰/۶۴	۸	۱/۶۷	۳	۰/۲۴	۲۱	۱/۱۱	۱۴		۰/۱۶	۲	۵- ویژگی‌های جغرافیایی
۳۵/۴۳	۴۵	۳/۶۶	۴۶	۲/۵۸	۴۵	۰/۳۲	۳۴	۲۲/۳۷	۲۸۱	۲/۸۹	۲۵		۶- بعد سیاسی
۴/۰۱	۶۰۳	۳/۲۶	۴۱	۴/۴۶	۵۶	۳/۲۶	۴۱	۳۴/۸۹	۴۳۷	۲/۲۳	۲۸		۷- بعد دینی
۰/۰۸	۱							۰/۰۸	۱				۸- خرده فرهنگ‌های قومی
۸/۳۶	۱۰۵	۱/۴۳	۱۸	۰/۵۶	۷	۰/۱۶	۲	۵/۸۱	۷۳	۰/۴	۵		۹- تجدید
۲/۰۷	۲۶	۰/۰۸	۱	۰/۳۲	۴	۰/۴	۵	۱/۱۱	۱۴	۰/۱۶	۲		۱۰- اختراعات ملی

همان گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج کلی که در جدول شماره ۴ نیز آمده است، مؤید نتایج جداول قبلی است. به عبارت دیگر، وزن بعد دینی و سیاسی بسیار بالاتر از سایر ابعاد است. این در حالی است، که ابعاد خرده فرهنگ‌های قومی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی و نمادهای ملی بسیار کم رنگ و در مورد اسطوره‌های ملی صفر است. جهت پاسخ‌گویی به سوال شماره ۲ این پژوهش، ابتدا به مقایسه‌ی فراوانی کل دو کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی می‌پردازیم، سپس به عنوان استفاده از آمار استنباطی جهت تکمیل نمودن تحقیق، پس از حذف مولفه‌هایی که فاقد شرایط آزمون معنا داری هستند، از آزمون "خی دو" جهت معنا داری و یا عدم آن استفاده می‌کنیم.



جدول ۵: مقایسه‌ی فراوانی مولفه‌های هویت ملی در کتاب‌های پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی

مؤلفه‌ها	مقطع	
	پنجم دبستان	سوم راهنمایی
ارزشهای و ویژگی‌های ملی (فراوانی)	۹	—
میراث فرهنگی (فراوانی)	۱۵	—
اسطوره‌های ملی (فراوانی)	—	—
نمادهای ملی (فراوانی)	۴	—
ویژگی‌های جغرافیایی (فراوانی)	۳۸	—
بعد سیاسی (فراوانی)	۱۷۷	۳۶۸
بعد دینی (فراوانی)	۳۹۹	۴۰۴
فرهنگ‌های خرد (فراوانی)	۱	—
تجدد (فراوانی)	۳۳	۸۳
انتخابات ملی (فراوانی)	۳۴	۲
فراوانی کل	۷۰۰	۵۵۶

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی هر دو مقطع پنجم دبستان و سوم راهنمایی، بیشترین فراوانی‌ها با تفاوت محسوس نسبت به سایر مولفه‌های هویت ملی مربوط به ابعاد دینی و سیاسی است. همچنین به ابعاد میراث فرهنگی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، ویژگی‌های جغرافیایی، خرده فرهنگ‌های قومی در مقطع سوم راهنمایی اصلاً توجه‌ای نشده و در مقطع پنجم دبستان نیز توجه ناچیزی شده است. با توجه به میزان فراوانی‌های به دست آمده در کتاب‌های فوق و پس از استفاده از آزمون «خی دو» نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۶: مقایسه‌ی فراوانی مولفه‌های هویت ملی در کتاب‌های پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی بر اساس آزمون خی دو

معنی داری	درجه آزادی	خی دو	کتاب‌ها
$P < 0/01$	۳	۱۳۶,۳۸	تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مجذور خی مولفه‌های هویت ملی کل کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی را نشان می‌دهد. اعمال مجذور خی نشان دهنده‌ی وجود تفاوت معنا دار در این دو کتاب است که ناشی از هدفمند بودن این دو کتاب در جهت بیان مولفه‌ها است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد، که در کتب تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی به عنوان مقاطع پایانی دو دوره‌ی آموزش عمومی، به برخی از مؤلفه‌های مربوط به پدیده‌ی هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است. این مؤلفه‌ها به ترتیب عبارتند از: بعد دینی و بعد سیاسی.

این نتیجه با یافته‌های معدود پژوهش‌های مشابه، یعنی پژوهش ملاصادقی (۱۳۷۸)، یاوری (۱۳۷۳) و شاه سنی (۱۳۸۶)، همخوانی دارد. در واقع پژوهشگران مذکور نیز به این نتیجه دست یافتند، که در کتب درسی و همچنین فعالیت‌های فرهنگی مدارس، بعد دینی و مذهبی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است، که برخی دیگر از ابعاد هویت ملی به شدت مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ابعاد مذکور به ترتیب عبارتند از: ارزش‌ها و هنجارهای ملی، خرده فرهنگ‌های قومی، اسطوره‌های ملی، روابط با دیگر جوامع و تمدنها و بالاخره نمادهای ملی. از این نظر نیز، نتیجه‌ی به دست آمده از پژوهش حاضر، با تحقیقات قبلی (ملاصادقی، ۱۳۷۸ و یاوری، ۱۳۷۳) همخوانی دارد. آزمون مجذور خی در «جدول شماره ۵» هم نشان از تفاوت معنا داری و هدفمند بودن این موضوع در این کتاب‌ها است. با رجوع به کتاب‌های راهنمای معلم این درس، خود حکایت از آن دارد، که مؤلفان محترم توجه چندانی به هویت ملی و شاخص‌های آن نشان نداده‌اند. چنانچه در کتاب راهنمای معلم تعلیمات اجتماعی (ملکی و انتظاری، ۱۳۷۱: ۳۰-۲۷)، نیز با آن که در بخش اهداف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی درباره‌ی ارزش‌ها و هنجارها بحث شده است، لیکن هیچ گونه تصریحی درباره‌ی ارزش‌ها و هنجارهای ملی در ایران نیست، بلکه ارزش‌ها و هنجارهای کلی است که در هر جامعه می‌تواند مصداق داشته باشد. همچنین، باید اذعان داشت، که حتا با وجود نقایصی که کتاب‌های راهنمای معلم دارند (البته باید اضافه کرد که در مسیر این مطالعه، مشخص شد که این کتب نه چندان در دسترس هستند و نه چندان مورد استفاده‌ی معلمان قرار می‌گیرند)، لیکن حتا اهداف تعیین شده در آن نیز، همخوانی زیادی با محتوای کتاب‌های درسی ندارند.

هماهنگی‌های به دست آمده از تحقیقات پیشین و پژوهش حاضر، که به فاصله‌ی زمانی حداقل ۶ سال انجام شده‌اند، حکایت از آن دارد، که در طول سالیان گذشته، به ویژه در برنامه‌های مربوط به تغییر محتوای کتب درسی، به پدیده‌ی هویت ملی و ابعاد گوناگون آن، توجه چندانی نشان داده نشده است. به تعبیر دیگر، مسئولان و برنامه‌ریزان آگاهانه و یا ناآگاهانه، این موضوع بسیار مهم را مورد غفلت قرار داده‌اند. همان طور که اشاره شد، این غفلت به ویژه در خصوص برخی از ابعاد هویت ملی، بیشتر به چشم

می‌خورد. این در حالی است، که بنا به دیدگاه برخی از صاحب نظران حوزه‌ی هویت ملی، مؤلفه‌هایی؛ مانند افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی، بخش مهمی از احساس هویت ملی را تشکیل می‌دهند. چرا که تاریخ هر ملتی خواه ناخواه تا حدی دربردارنده‌ی عناصری از اسطوره و افسانه است (میلر، ۱۹۹۵: ۳۳). بعلاوه، فولکور یا فرهنگ عامه از قبیل داستانها، ترانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها نیز نقش بسیار زیادی را در فرآیند شکل‌گیری هویت ملی، ایفا می‌نمایند. به همین دلیل، پول (۲۰۰۳)، اشاره می‌کند، که فرآیند شکل‌گیری هویت ملی از همان داستان‌های فولکوریک که مادران برای فرزندانشان در هنگام خواب رفتن می‌گویند، همچنین نخستین بازی‌های محلی و نیز شخصیت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای که کودکان آنها را دوست دارند یا حتی از آنها می‌ترسند، آغاز می‌شود.

البته درست است که هدف عمده‌ی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، پرداختن به ابعاد سیاسی از قبیل حکومت، قانون اساسی، روابط متقابل دولت و ملت و نظایر آن است، اما این هدف نباید باعث غفلت از توجه به بعد ارزشی، هنجاری و حتا سایر ابعاد هویتی گردد. چرا که اتفاقاً تعلیمات اجتماعی، جایگاه مهمی در جامعه‌پذیری با تمامی ویژگی‌هایش دارد. مطابق با دانش جامعه‌شناسی، علی‌به‌خصوص جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه، بخش مهمی از فعالیت نهاد آموزش و پرورش آن جامعه را تشکیل می‌دهد. به تعبیر دورکیم، آموزش و پرورش چیزی نیست جز جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری هم به معنی انتقال ارزش‌ها و هنجارهای ملی است (علاقه‌بند، ۱۳۷۷: ۱۴۰). این در حالی است که متون درسی کتب تعلیمات اجتماعی مورد نظر از این نظر، یعنی پرداختن به ابعاد ارزشی و هنجاری هویت ملی بسیار ضعیف است. در این صورت، چگونه می‌توان انتظار داشت که نسل جوان جامعه، فرآیند جامعه‌پذیری را به سلامت طی کند؟ چگونه جامعه‌پذیری بدون یادگیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها تحقق یابد؟ در واقع ارزش‌ها و هنجارها، از مهمترین عوامل تداوم و پایداری ملت و جامعه در طول تاریخ به حساب می‌آیند. از سوی دیگر، عدم آگاهی صحیح از خرده فرهنگ‌های قومی، ممکن است خطراتی از جمله تعصبات و تبعیض‌های قومیتی را برای جامعه به وجود آورد.

در کل، با توجه به یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر، به طور کامل آشکار است، که در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی مورد بررسی، به مولفه‌های ده گانه‌ی هویت ملی به صورتی متعادل و متوازن توجه نشده است. طوری که بعد دینی و سیاسی به عنوان ارکان اسلامیت هویت ملی، دارای بالاترین فراوانی به میزان بیش از ۸۳ درصد یا ۱۰۴۸ جمله از ۱۲۵۶ جمله هدفمند است. بالاترین فراوانی رکن ایرانیست، مربوط به ویژگی‌های جغرافیایی است، که تنها ۴۸ جمله یا ۳/۸۲ درصد را شامل می‌شود و دیگر مولفه‌های ایرانیست بسیار کم‌رنگ هستند، طوری که به اسطوره‌های ملی و خرده فرهنگ‌های قومی توجه‌ای نشده است. رکن تجدد نیز، کلاً دارای ۱۰۵ جمله با ۸/۳۶ درصد فراوانی است و افتخارات ملی، به عنوان مولفه‌ای برای هر دو رکن ایرانیست و اسلامیت تنها دارای ۲/۰۷ درصد است. نکته‌ی قابل توجه این است، که ایرانیست با توجه به مولفه‌های مختلفی که برای آن وجود دارد، حتا نتوانسته است از نظر فراوانی به رکن سوم هویت ملی، یعنی تجدد هم برسد. این در صورتی است، که بنا به تعبیر بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان حوزه‌ی هویت ملی، هویت ملی ایرانی، ترکیبی متعادل از ایرانیست (تاریخ و سنت ایرانی)، دین (اسلام) و تجدد (عناصر فرهنگ عمدتاً غربی وارد شده به ایران) است (رجایی، ۱۳۸۳: ۴۲ و اسدی، ۱۳۸۳: ۷۸). به سخن دیگر، ملت، دین و تجدد در حالت تعادل در تعاملی منطقی با دیگری عمل نموده و سهم معقولانه‌ی خود را ادا نموده اند. مسلم است، که عدم توجه به حالت تعادل و تعامل منطقی هویت ملی، اثرات منفی و مخربی را بر روند شکل‌گیری هویتی کودکان و نوجوانان بر جای خواهد گذاشت. بنا به نظر پژوهشگران مطالعه‌ی حاضر به نظر می‌آید، بحران هویتی دوره‌ی معاصر و عوارض مربوط به آن که تا حدودی در پژوهش منادی (۱۳۸۳: ۵۴-۵۳)، به آنها اشاره شده است، تا حد زیادی به دلیل همین نقصان توجه متعادل و منطقی و پرورش آن به عنوان یک هدف عمده و کلی آموزش و پرورش است. علاوه بر آن، هویت ملی، آنچنان که باید و شاید در اهداف نظام آموزش و پرورش به روشنی و مشروح مورد توجه قرار نگرفته است (به مصوبه‌ی شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، ۱۳۷۲ رجوع شود).

پیشنهادها

- با توجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از تحقیق حاضر، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد.
- ۱- با وجود این که الگوی تعادلی در بحث هویت ملی مورد پذیرش بسیاری از متخصصان قرار گرفته و در مطالعه‌ی حاضر نیز به عنوان چارچوب نظری، مورد استفاده قرار گرفت، لیکن به نظر می‌آید، برای رسیدن به الگویی جامع، مانع و منطقی، نیاز به مطالعات و تحقیقات نظری بیشتری باشد. الگویی که بتواند مورد توافق همگان قرار گرفته و علاوه بر آن، پاسخگوی مشکلات و چالش‌های جامعه نیز باشد.
 - ۲- همان طور که روشن شد، لازم است تا اهداف کلی نظام آموزش و پرورش و همچنین اهداف جزئی تر محتوای کتاب‌های درسی با عنایت به ابعاد هویت ملی مورد تجدید نظر قرار گیرند. در این راستا، تلاش در جهت هماهنگ ساختن اهداف کتب درسی و کتب راهنمای معلم، ضرورت دارد.
 - ۳- با توجه به این که به نظر می‌آید، آموزش‌های غیر مستقیم، از جمله فعالیت‌های فوق برنامه، در شکل‌گیری هویت ملی تاثیر زیادی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی در خصوص چگونگی این تاثیر طراحی و انجام شود.

پی‌نوشت

- | | |
|------------------|------------------------|
| 1. Miller | 2. Poole |
| 3. Self-Concept | 4. Self |
| 5. G.H.Mide | 6. C.H.Cooli |
| 7. Dooch | 8. Kraose |
| 9. Jenkins | 10. National character |
| 11. Siri wardena | 12. Keller |
| 13. Dror | 14. Fereshteh |

منابع

الف. فارسی

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز
- اسدی، مهوش. (۱۳۸۳). راه‌های شناسایی وطن دوستی در دانش‌آموزان متوسطه‌ی

- استان قزوین. کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش استان قزوین.
- حق پناه، جعفر. (۱۳۷۶). هویت ایرانی: چند برداشت. مجله‌ی کیهان فرهنگی. ۱۴ (۱۳۵): ۷.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دوچ، مورتون و کراوس، م؛ روبرت. (۱۳۸۶). نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی فرهنگ. (۱۳۸۳). مشکل هویت ایرانیان امروز. تهران: نشر نی.
- رواسانی، شاپور. (۱۳۸۰). زمینه‌های اجتماعی هویت ملی. تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۷). رازدانی، روشنفکری و دینداری. تهران: موسسه‌ی فرهنگی صراط.
- سروش، مریم. (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر هویت مذهبی جوانان - مطالعه‌ی موردی جوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۳). متدولوژی فهم هویت ملی. در مجموعه هویت ملی در ایران به کوشش داود میر محمدی، تهران: تمدن ایرانی.
- شاه سنی، شهرزاد. (۱۳۸۶). تبیین ساز و کارهای مؤلفه‌های جامعه پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان. پایان نامه‌ی دکتری دانشگاه شیراز.
- شریعتی، علی. (۱۳۸۰). ویژگی‌های قرون جدید. تهران: قلم.
- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش. (۱۳۷۲). اهداف پرورشی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: تربیت.
- شولت، یان، آرت. (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی شدن. ترجمه‌ی مسعود کرباسیان. تهران: علمی و فرهنگی.

عشوری، زهرا. (۱۳۷۸). تحلیل محتوای داستان‌ها و روایی‌های کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ و مقایسه‌ی آن با هدف‌های آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان.
محسنی، نیک‌چهره. (۱۳۷۵). ادراک خود: از کودکی تا بزرگسالی: دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی و درمانی. تهران: موسسه‌ی انتشارات بعثت.
معظم‌پور، اسماعیل. (۱۳۸۰). هویت فرهنگی در عصر رضاشاه. نامه‌ی پژوهش، ۲۲ و ۲۳: ۳۳-۴۹.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ ۳۲، تهران: صدرا.
ملا صادقی، منیره. (۱۳۷۸). نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

منادی، مرتضی. (۱۳۸۳). جهانی شدن: دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی. در کتاب آموزش و پرورش و گفتمان‌های نوین. گردآوری توسط محمد علی محمدی و حسین دهقان. تهران: پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.

ملکی، حسن و انتظاری، علی. (۱۳۷۱). کتاب راهنمای معلم تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

هادی‌نژاد، سید هادی. (۱۳۷۴). تحلیل محتوای کتب فارسی سال چهارم و پنجم ابتدایی و مقایسه‌ی آن با هدف‌های آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

هولستی، آر. آل. (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

یاوری، نوشین. (۱۳۷۳). اقوام و قومیت در کتاب‌های درسی. فصلنامه‌ی گفتگو، ۳: ۲۵-۴۲.

ب. انگلیسی

Carr, D. (2003). *Making sense of education*. U.K: Routledge Falmer Press.

- Fereshteh, M. Hussein. (1992). *The U. S. and Japanese education: Should they be compared?* Paper presented at Lehigh university's conference on education and economics in technologically advacing countries. Bethlehem, P. A.
- Jenkins, R. (1996). *Social identity*. U. K. Routledge press.
- Keller, D. and Dror, I. (1995). *Planning non- formal education curricula: the case of Israel*. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, San Francisco.
- Meskoob, S. (1992). *Iranian nationality and the persian language*. Washington D.C., Mage Publishers
- Miller, D. (1995). *On Nationality*. U. K. Clarendon Press.
- Poole, Ross. (2003). *National Identity and Citizenship*. In the: *Identities*, by Linda Martin, Alcoff and Eduardo Mendieta (Eds). U. K. Blackwell publishing.
- Siriwardena, R. (2002). *National identity, content of education and ethnic perceptions*. [http // www.Sangam.org](http://www.Sangam.org) / Analysis national-identity.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی